استفاده گسترده عراق از

سلاحهای شیمیایی

در جنگ هشت ساله

بسم الله الرحمن الرحیم

استفاده گسترده عراق از سلاحهای شیمیایی در جنگ هشت ساله

نویسنده:

حسین یکتا

ناشر چاپی:

پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

استفاده گسترده عراق از سلاحهای شیمیایی در جنگ هشت ساله

مشخصات کتاب

عنوان:استفاده گسترده عراق از سلاحهای شیمیایی در جنگ هشت ساله

نوع مقاله:عمومی

نویسنده:دکتر حسین یکتا

ناشر: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

موضوع:سلاحهای شیمیایی

مقدمه

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران.

در بخش نخست این نوشتار، که در شما پیش به چاپ رسید، عنوان شد که استفاده عراق از جنگ افزارهای شیمیایی در جنگ علیه ایران در سه دوره متمایز انجام شد. دوره نخست، از آغاز تهاجم برق آسای ارتش عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران در ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) تا پایان مقطع آزادسازی مناطق اشغالی، به ویژه آزادی خرمشهر (بزرگ‌ترین نماد اشغالگری ارتش عراق) در سوم خردادماه سال ۱۳۶۱ بود که طی آن، نیروهای عراقی به طور پراکنده و برای درهم شکستن مقاومتهای پراکنده نیروهای رزمنده ایران و هموار کردن مسیر پیشروی به داخل خاک کشور ما از سلاحهای شیمیایی استفاده کردند. نوع عوامل شیمیایی مورد استفاده در این دوره، گازهای ساده‌ای همچون گاز اشک‌آور با نام علمی اورتوکلرو بنزیلید این مالونو نیتریل یا سی‌اس و گازهای موسوم به باران زرد بود که نوعی علف‌کش به حساب می‌آید. این گازها از نظر عملیاتی، پایداری در محیط و اثر بخشی نظامی بسیار ضعیف بودند، به طوری که گاهی اوقات، نیروهای ایرانی متوجه قرار گرفتن در معرض این گونه حملات نمی‌شدند، به همین علت نیز، طبق آمار موجود، مجموع تلفات نیروهای ایرانی در این دوره با وجود فقدان هر گونه تجهیزات حفاظتی و خنثی‌سازی، بیش از ده شهید و یک یا دو مجروح نیست، با وجود این، برخی از اسناد به دست آمده از نیروهای عراقی در مناطق عملیاتی یا مطالب منتشر شده در مطبوعات جهان، به ویژه در دهه ۹۰ بر این امر دلالت دارد که ارتش عراق پس از زمین‌گیر شدن در خاک ایران و فرو رفتن در لاک دفاعی، تلاش فراوانی را به کمک شیمیدانها و دانشمندان میکروب‌شناس برای دستیابی به ترکیبات پیچیده‌تری از عوامل شیمیایی و میکروبی معطوف کرد. طبق این اسناد، به هنگام برگذاری دوره‌ها و مانورهای نظامی، و دانشمندان عراقی با استفاده از مواد سیانید سدیم در حال انجام آزمایشهایی روی حیوانات بودند. (ضمیمه یک).

مبحث حاضر به دوره دوم استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی اختصاص دارد که از مردادماه سال ۱۳۶۱ هم زمان با آغاز نخستین، عملیات نفوذی نیروهای ایران به داخل خاک عراق - عملیات رمضان - با هدف تنبیه متجاوز آغاز شد و تا پایان سال ۱۳۶۵ و نبردهای بزرگ کربلای ۴ و ۵ ادامه یافت. در این دوره، عراق با اتخاذ تاکتیک نظامی دفاع مطلق در زمین، از جنگ افزارهای شیمیایی در نقش سلاح تدافعی استفاده کرد تا به کمک آن، عملیاتهای تهاجمی متکی به انبوه نیروهای پیاده جمهوری اسلامی ایران را خنثی کند. در طول این دوره، ارتش عراق بیش از ۲۳۰ بار مواضع نیروها، مراکز پشتیبانی و تدارکاتی و حتی شهرها و مناطق غیرنظامی ایران را هدف حملات شیمیایی قرار داد؛ اقدامی که در مجموع، حدود ۴۴ هزار نفر تلفات اعم از کشته و مجروح را در پی داشت.

[صفحه ۵۲]

دوره سوم جنگ شیمیایی بین عراق و ایران از آغاز سال ۱۳۶۶ شروع شد و تا پایان جنگ و پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ و حتی پس از آن تا تابستان سال ۱۳۶۷ادامه یافت. در این دوره، ارتش عراق پس از برطرف کردن ضعفهای تاکتیکی خود در زمینه کاربرد گازهای شیمیایی در دو دوره گذشته و دستیابی به عوامل شیمیایی مضاعف یا دو گانه توانست از آنها به منزله یک سلاح تهاجمی برای بازپسگیری مناطق تحت کنترل نیروهای ایران استفاده کند. نظامیان عراقی همچنین موفق شدند از این سلاحها به عنوان بخشی از عملیاتهای هماهنگ شده خود در بهار سال ۱۳۶۷ علیه نیروهای ایران در فاو، شلمچه و جبهه‌های غرب و شمال بهره گیرند و عملا نیروهای ایرانی را به عقب‌نشینی از مواضع تصرف شده مجبور کنند.

نقش بازدارنده سلاح شیمیایی در جنگ

در فاصله سالهای ۱۳۶۱ تا آخر سال ۱۳۶۵، عراق سلاحهای شیمیایی را در مقیاسی به کار گرفت که از جنگ جهانی اول به بعد بی‌سابقه بود. در این دوره، واحدهای شیمیایی ویژه، که مسئول مراقبت، ساخت و حمل و نقل مهمات شیمیایی بودند، در تمامی یگانهای نیروهای مسلح عراق جا افتادند.

واحدهایی از نیروی زمینی و هوایی عراق مأموریت شلیک این نوع سلاح را به عهده گرفتند. عراق در پیروی از الگوی واحدهای شیمیایی اتحاد جماهیر شوروی، به واحدهای نظامی شیمیایی خود چنان منزلت و موقعیتی بخشید که تقریبا به شکل یک ارتش رزمی مستقل درآمد. آنها واحدها و زیر واحدهای مسئول دفاع شیمیایی، تشعشع و اکتشاف شیمیایی، تحلیل اوضاع جوی و آلودگی زدایی را شامل می‌شدند. هر سپاه یک گردان، هر تیپ یا لشکر مستقل یک گروهان و هر هنگی یک دسته شیمیایی داشت. [۱] با چنین آمادگی، ارتش عراق منتظر حملات تهاجمی نیروهای ایران به داخل خاک آن کشور ماند.

از سوی دیگر، با گذشت نزدیک به دو ماه آزادسازی خرمشهر و عقب‌نشینی اجباری عراقی به پشت مرزهای بین المللی - به استثنای نفت‌شهر و برخی از بلندیهای استراتژیک مرزی - آشکار شد که مجامع بین‌المللی به تأمین حقوق حقه ایران، تعیین متجاوز و تنبیه آن و جبران خسارات جنگی ناشی از عمل تجاوزکارانه رژیم عراق تمایلی ندارند. در نتیجه، جمهوری اسلامی ایران در راستای استیفای حقوق خود، در صدد برآمد تا رأسا وارد عمل شود. بدین ترتیب، عملیات رمضان طراحی و آماده اجرا شد. پیش از آغاز این عملیات در تیرماه سال ۱۳۶۱، طبق اخبار به دست آمده از برخی از اسیران عراقی، ارتش عراق خود را برای مقابله با تهاجم نیروهای ایران با توسل به جنگ افزارهای شیمیایی آماده کرده بود. [۲] با وجود این، ایران به این اطلاعات و اخبار توجهی نکرد. در نتیجه، در تاریخ ۲۳ تیرماه سال ۱۳۶۱، عملیات رمضان را با هدف تعقیب متجاوز و آزادسازی بصره در شرق این شهر به اجرا در آورد. با ورود نیروهای ایران به منطقه عملیاتی و پیشروی سریع آنها به سوی اهداف از پیش تعیین شده، نیروهای عراقی علیه نیروهای پیاده و فاقد تجهیزات حفاظتی ایران از گازهای اشک آور وتهوع آور استفاده کردند. این تاکتیک در کنار بمباران گسترده هوایی و شلیک همه جانبه توپخانه سنگین مؤثر واقع شد و به از هم پاشیدن شیرازه نیروهای عمل کننده ایران و عدم فتح عملیات انجامید. هر چند هرگز آمار دقیقی از میزان گازهای شیمیایی به کار گرفته شده علیه نیروهای رزمنده ایرانی و تعداد تلفات ناشی از این گازها در این عملیات ارائه نشد، اما وجود پیکرهای شهیدانی که کوچک‌ترین آثاری از جراحتهای ناشی از گلوله در بدنشان وجود نداشت، [۳] به کارگیری گازهای سمی از سوی نیروهای عراقی را اثبات می‌کرد. این برای نخستین بار بود که در این جنگ، سلاح شیمیایی نقش بازدارنگی به خود گرفت و نیروهای ایران را از دستیابی به اهداف عملیاتی باز داشت در پی واقعه،

روزنامه لی آنجلس تایمز چاپ

[صفحه ۵۳]

امریکا نوشت: «در تابستان سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱)، هنگامی که نیروهای ایرانی به نزدیکی سربازان عراقی رسیدند، دشمن از عامل سی‌اس (اورتوکلروبنزیلید این مالونونیتریل) که به عنوان گاز اشک آور شناخته می‌شود، استفاده کرد. هدف از این کار، وادار کردن نیروهای دشمن به پوشیدن تجهیزات حفاظتی و ایجاد مانع در راه عملیات بود.» [۴] .
این تجربه موفق عراق در استفاده از گازهای شیمیایی برای مقابله با پیشروی سریع و غافلگیرانه نیروهای پیاده ایران در داخل خاک آن کشور سبب شد که مدیریت رسته جنگهای شیمیایی به طور رسمی، به سازمان رزم ارتش عراق اضافه شود. [۵] و آمادگی لازم برای استفاده از عوامل پیچیده‌تر و خطرناک‌تر شیمیایی فراهم آید. با آغاز نیمه دوم سال ۱۳۶۱، جمهوری اسلامی ایران به دنبال عدم فتح عملیات رمضان، با کمی تأخیر استراتژی تعقیب متجاوز را شدت بخشید و در ۹ مهرماه سال ۱۳۶۱، در سومار، عملیات مسلم بن عقیل؛ در ۱۰ آبان‌ماه، سال ۱۳۶۱، در ارتفاعات مرزی حمرین در منطقه عمومی ایلام، عملیات محرم؛ و در ۱۷ / ۱۱ / ۱۳۶۱ در محور چزابه - فکه، عملیات بزرگ والفجر مقدماتی را اجرا کرد. عراق در واکنش به عملیاتهای مزبور، کاربرد سلاحهای شیمیایی را افزایش داد و طی شش‌ماه، حدود ده بار آنها را علیه نیروهای ایرانی به کار گرفت. از جمله در ۲۴ مهرماه در منطقه ساوجی، ۳۰ مهرماه در آبادان، در ۱ و ۲۵ آبان‌ماه در ارتفاع ۵،۱۷۵ آبان‌ماه در موسیان، ۲۸ آذرماه در تنکاب، ۳۰ دی‌ماه در شلمچه، ۵ بهمن‌ماه در گردنه بایره و کردستان، ۱۹ بهمن ماه در شرهانی و سرانجام در ۵ اسفندماه در شلمچه با استفاده از توپخانه و خمپاره به شلیک گلوله‌های شیمیایی اقدام کرد که در نتیجه آن، سیزده نفر شهید و ۲۱ تن مجروح شدند. [۶] در این حملات، برای نخستین بار از عامل شیمیایی سولفور موستارد (عامل تاولزا) استفاده شد. به نوشته لس آنجلس تایمز «عراقیها از دسامبر ۱۹۸۲ (آذر ۱۳۶۱)، به طور پراکنده، از عامل سولفورموستار به منظور درهم شکستن سازمان رزمی رزمندگان ایران در تکهای شبانه بهره گرفتند.» [۷] .

در پی تشدید کاربرد سلاح شیمیایی علیه نیروهای ایران، جمهوری اسلامی با صدور اطلاعیه‌هایی ضمن محکوم کردن کاربرد این گونه سلاحها، از مجامع بین‌المللی خواست تا عراق را از تکرار جنایات خود بازدارند. [۸] در این زمان، ایران به دلیل نادیده گرفتن تجاوز عراق از سوی شورای امنیت سازمان ملل، با این سازمان چندان ارتباط نداشت و از مکاتبه با آن خودداری می‌کرد. در مقابل، عمده قوای سیاسی - تبلیغاتی خود را متوجه افکار عمومی جهان و معدود دولتهای هم پیمان خود می‌کرد، در حالی که طرف عراقی به شدت در سطح مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای فعال بود و با برخورداری از حمایت گسترده قدرتهای بزرگ، از ابزارها و فرصتهای سیاسی و دیپلماتیک به نفع خود استفاده می‌کرد و در چنین شرایطی بود که برای خنثی کردن اقدامات سیاسی - تبلیغی ایران در مورد کاربرد سلاحهای شیمیایی وارد عمل شد و ریاض القیسی، نماینده‌ی دائمی عراق در سازمان ملل، اتهامات ایران را مبنی بر استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی در جنگ با این کشور به شدت نفی و اتهامات مزبور را اکاذیب و قلب حقایق توصیف کرد و افزود: «هر گاه رژیم ایران در محافل سیاسی با شکست روبه‌رو شده، و به این روش روی آورده است.» [۹] در کنار این اقدامات، عراق با مؤثر یافتن جنگ افزارهای شیمیایی در مقابل تهاجم نیروهای پیاده جمهوری اسلامی ایران، تصمیم گرفت واحدهای جنگ شیمیایی خود را تقویت کند. به همین منظور، در آغاز زمستان سال ۱۳۶۱ (۱۹۸۳ میلادی) قراردادی را برای خرید تجهیزات گوناگون با یک شرکت سازنده وسایل فنی شیمیایی در آلمان فدرال به نام دری‌رایخ منعقد کرد. همچنین، برای ساخت عوامل شیمیایی پیچیده و ترکیبی، به ویژه گاز اعصاب میزان در خور توجهی از مواد شیمیایی را از منابع غربی، به ویژه ایالات

متحده امریکا، انگلستان و آلمان فدرال خریداری کرد. [۱۰] بدین ترتیب، زمانی که سال ۱۳۶۱ به پایان رسید، عراق تجربه دفع چهار عملیات کوچک و بزرگ نیروهای جمهوری اسلامی ایران را با استفاده از گازهای شیمیایی داشت و با گسترش محدوده کاربرد و حجم عوامل شیمیایی، مدیریت و رسته جنگهای شیمیایی به طور رسمی به سازمان رزم ارتش آن کشور اضافه شده بود.

[صفحه ۵۴]

تشدید جنگ شیمیایی و ورود عوامل شیمیایی جدید در جنگ

در سال ۱۳۶۲، نه تنها میزان و دفعات کاربرد سلاحهای شیمیایی علیه نیروهای رزمنده جمهوری اسلامی ایران افزایش چشم‌گیری یافت و به طور نسبی سراسر جبهه‌های جنگ از جنوب تا شمال را در بر گرفت، بلکه عوامل شیمیایی مرگبارتری نیز به کار گرفته شدند که تا آن زمان، از آنها استفاده نشده بود. در واقع، در این سال، جنگ افزارهای شیمیایی به کار رفته در جنگ ایران و عراق از نظر کمی و کیفی متحول شدند.

ورود عوامل شیمیایی جدیدی همچون سم قارچی، باران زرد، گاز اعصاب با نام تابون، قارچهای سمی دیگر همچون نیوالندل، تی – ۲، اچ تی – ۲، کارول در کنار عوامل فسفری، ناتوان کننده و... نشان می‌داد که جنگ شیمیایی در جنگ ایران و عراق به مرحله نوینی وارد شده است. وال استریت ژورنال در شماره ۱۳ مارس ۱۹۸۴ خود، در مقاله‌ای با اشاره به ورود این عوامل کشنده شیمیایی در جنگ نوشت: «تأثیر تراکمی ترکیب دو عامل سمی گاز خردل و باران زرد مطلقا کشنده است. باران زرد از سموم تریکوتسین به دست می‌آید که از طریق انواع قارچ فوساریوم تولید می‌شوند و می‌توان آنها را از غلات کپک زده و آلوده به دست آورد. در میان سمومی که روی پوست اثر می‌گذارد این تنها ماده‌ای است که به آسانی می‌توان آن را تولید کرد؛ یک میلیاردم گرم از این (نانوگرم) بر هر سانتی‌متر مربع پوست باعث حساسیت خواهد شد و مقادیری به اندازه یک میکروگرم آن سلولهای پوست را از بین می‌برد.» [۲۱] .

طبق آمار موجود، در سال ۴۵،۱۳۶۲ بار از این نوع گازهای شیمیایی در جبهه‌های مختلف جنگ استفاده شده است که این تعداد چهار برابر سال پیش از آن بود. [۲۲] افزون بر این، گستره عملیاتی آن به شدت افزایش یافت و مناطق غیرنظامی از جمله شهرها و روستاها را نیز در برگرفت تا شاید از این طریق فشار بیشتری بر کانونهای تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران وارد آید. هدف نهایی عراق در این دوره، وادار کردن ایران به پذیرش پایان جنگ بدون دستیابی به برتری نظامی در صحنه جنگ بود. به عبارت دیگر، عراقیها مترصد آن بودند تا هزینه هر پیروزی نظامی را به حدی برای ایرانیان افزایش دهند که از تنبیه متجاوز منصرف شوند.

از نخستین روزهای آغاز سال ۱۳۶۲، عراق در هر فرصت ممکن، در سراسر جبهه‌های جنگ به گازهای شیمیایی متوسل شد. برای نمونه، در فروردین‌ماه این سال، نیروهای عراقی با استفاده از خمپاره‌انداز و توپخانه چهار بار علیه نیروهای خودی از گلوله‌های شیمیایی استفاده کردند و مناطق فکه (۳ فروردین‌ماه و سال ۱۳۶۲)، پایگاه مسلم نقابی (۶ فروردین‌ماه سال ۱۳۶۲) و سومار (در روزهای ۹ و ۱۸ فروردین‌ماه سال ۱۳۶۲) را هدف قرار دادند که طی آن، چهار نفر در سومار مصدوم شدند. در این میان، در ۲۱ فروردین‌ماه، جمهوری اسلامی ایران عملیات بزرگ دیگری را با نام والفجر ۱ در منطقه عمومی میسان عراق در جبل فوقی آغاز کرد که این عملیات نیز با ناکامی روبه‌رو شد و اهداف آن تحقق نیافت. پس از عملیات مزبور، مسئولان جنگ در ایران بار دیگر به عملیاتهای متوسط و کوچک متوسل شدند تا ضعف نیروهای خودی را برای اجرای یک عملیات بزرگ دیگر برطرف کنند. به دنبال آن، پس از سه ماه تأخیر، در فاصله یک هفته (۲۹ تیرماه سال ۱۳۶۲ تا ۷ مردادماه سال ۱۳۶۲) دو عملیات متوسط والفجر ۲ و

والفجر ۳ در منطقه چومان و مصطفی در اربیل عراق و مهران به اجرا درآمد. به دنبال این دو عملیات، عراق موجی از حملات شیمیایی را علیه نیروهای نظامی و غیرنظامیان ایران آغاز کرد. از جمله در ۱۷ مردادماه، و مناطق حاج عمران، شیوه‌رش، تمرچین، رودخانه دویرج و مناطق اطراف آن را با توپخانه و هواپیما، هدف گازهای تهوع‌آور و تاول‌زا قرار داد که در شیوه رش ۲۴ نفر و در منطقه پادگان حاج عمران در محور پیرانشهر - رواندوز بیش از صد نفر مصدوم به همراه داشت. روز بعد نیز، روستاهای شیرواش و چند روستای مجاور پیرانشهر (دو بار در یک روز) و تمرچین هدف بمباران شیمیایی هواپیماهای عراقی قرار گرفتند که طی دو حمله پیرانشهر، ۱۳۸ تن مصدوم شدند و دو تن دیگر جان باختند. در تمرچین نیز، سی‌نفر در معرض گاز خردل قرار گرفتند و به شدت آسیب دیدند. در ۲۳ مردادماه هم ارتفاعات قمطره (چمارته) با توپخانه هدف قرار گرفت و گازهای تاول‌زا مرگ سه تن و مصدومیت دویست تن دیگر را موجب شدند. روز بعد توپخانه عراق منطقه

[صفحه ۵۵]

ساوجی را هدف گلوله‌های شیمیایی قرار داد که تلفاتی در پی‌نداشت. [۲۳] در پی این حملات بود که ستاد تبلیغات جنگ با انتشار اطلاعیه‌ای به زبان انگلیسی در تاریخ ۳ سپتامبر سال ۱۹۸۳ (۱۲ شهریورماه سال ۱۳۶۲) در بیان شواهدی از حملات شیمیایی عراق به نقل از یکی از مجروحان حادثه نوشت:

«در ساعت ۷ صبح روز ۹ اوت سال ۱۹۸۳ (۱۸ مردادماه سال ۱۳۶۲)، در شش کیلومتری غرب جاده پیرانشهر - رواندوز، یک فروند هواپیمای متجاوز عراقی در حالی که در ارتفاع پایین و بدون صدا بر فراز مواضع رزمندگان اسلام حرکت می‌کرد، نیروهای پیاده مستقر در جاده را هدف قرار داد. با این اقدام، نیروهای مستقر در جاده، صدایی شبیه به صدای انفجار گلوله توپ و پرتاپ بمب را شنیدند، ضمن آنکه ستون سیاهی از دود به هوا برخاست و قشر نازکی از پودر سیاهرنگ سطح تمامی لوازم را پوشاند. در این میان، چند گروه کوچک از نیروهای اسلام به موج گرفتگی دچار شدند و به بیمارستان انتقال یافتند. اما تقریبا در بسیاری از رزمندگان که به ظاهر کوچک‌ترین آسیبی هم ندیده بودند، برخی از حالات غیر عادی ظاهر شد که عبارت بود از احساس درد توأم با سوزش در پاره‌ای از نواحی بدن مانند ساق پا، و پشت و چشمها، که به تدریج بر شدت آنها افزوده می‌شد.» [۲۴].

در روزهای ۷ و ۸ شهریورماه سال ۱۳۶۲ نیز، به ترتیب مناطق سردشت و سومار هدف توپهای حاوی گازهای سمی قرار گرفتند که از تعداد تلفات و مصدومان آنها، اطلاعی در دست نیست. با آغاز نیمه دوم سال و افزایش احتمال آغاز عملیات نیروهای ایران، در سراسر خطوط تماس، بر شدت کاربرد سلاحهای شیمیایی از سوی عراق افزوده شد. در تاریخ ۲ مهرماه، نیروهای عراقی ارتفاعات بازی دراز را با توپخانه هدف گلوله‌های شیمیایی قرار دادند که طی آن، چهار تن مصدوم شدند. سه روزبعد، منطقه‌ای در قصر شیرین با دو گلوله شیمیایی هدف حمله قرار گرفت که در نتیجه آن، سه تن از اعضای بسیج اعزامی از تهران به شدت از ناحیه صورت مجروح شدند. در ۲۵ مهرماه نیز، منطقه خراطها هدف گلوله‌های شیمیایی توپخانه عراق واقع شد. با وجود این، اوج استفاده از گازهای شیمیایی را باید مهرماه سال ۱۳۶۲ به هنگام آغاز عملیات والفجر ۴ در منطقه عمومی سلیمانیه و محور پنجوین دانست. با آغاز این عملیات و پیشروی نیروهای ایرانی به داخل خاک عراق، نیروهای دشمن با گاز خردل به مواضع تحت تصرف رزمندگان ایران حمله کردند که در نتیجه آن، حدود سیصد نفر مصدوم شدند. [۲۵] که تا این زمان بی‌سابقه بوده است. هم زمان با این حمله شیمیایی، در روز ۲ مهرماه سه منطقه مریوان، روستاهای سیدلو و سردوش با توپخانه و خمپاره هدف حمله قرار گرفتند که طی این اقدام، سه تن در سر دوش مجروح شدند. این منطقه سه روز بعد بار دیگر با گلوله شیمیایی هدف حمله واقع شد. در ۳۰ مهرماه، محور پنجوین شاهد حمله شیمیایی دیگری از سوی عراق بود. در گزارش بیمارستان لقمان الدوله حکیم در تهران، که محل بستری

مجروحـان این حـادثه بود، به نقل از مجروحان چنین آمـده است: «در ساعت ۲۱:۳۰، ۳۰ مهرماه در سه کیلومتری شـمال پنجوین در میان گلوله‌های معمولی توپهای عراقی، تعدادی از گلوله‌های شیمیایی منفجر شدند که در نتیجه انفجار آنها، دود غلیظی فضا را فرا

[صفحه ۵۶]

گرفت و به تدریج، بویی شبیه نفت در محیط به استشـمام رسید. صبح روز بعد، در افرادی که با هوای آلوده به مواد شیمیایی تماس پیدا کرده بودند، عواملی چون سوزش و آبریزش از چشـمها، تاری دید، خارش، تنگی نفس، سـرفه و بی‌اشتهایی ظاهر شد و نواحی چین‌دار بدن آنان تغییر رنگ داد و سیاه شد.» [۲۶] .

در آبان‌ماه، حجم و دفعات حملات شـیمیایی افزایش بیشتری یافت. در این ارتباط، روسـتاهای سریش، هانی برانه و بانیجان از توابع شهرهـای بـانه و سـردشت را می‌توان نخستین اهـداف دانست. در حمله به بانیجان، که در ۱ و ۶ آبان‌مـاه رخ داد، هواپیماهای عراق گازهـای تـاول‌زا روی منطقـه فرو ریختنـد که در نـتیجه آن، هفتـاد نفر مجروح شدنـد. در ۳ آبان‌مـاه نیز، در بـانه، بمباران شـیمیایی (گازموسـتارد) نـه تـن شـهید و پنجـاه تن مجروح در پی داشت. در حمله به مریـوان، که در روز ۴ آبان‌مـاه با توپخانه انجام گرفت، شانزده نفر مجروح شدند. در ۱۶ آبان‌ماه منطقه گرماب نیز هدف حملات شیمیایی قرار گرفت که طی آن، چهل تن مجروح شدند. در همین روز، بار دیگر منطقه عملیاتی والفجر ۴، در پنجوین، با گاز اعصاب هدف قرار گرفت که هفده کشته و شصت مجروح در پی داشت. [۲۷] با تداوم عملیات والفجر ۴، و منطقه عملیاتی شـیخ لر بین رودخانه شیمه و ارتفاعات سری در چهل کیلومتری خاک عراق با بمبهای شـیمیایی هدف قرار گرفت که در نتیجه آن، هفتاد تن از نیروهای ایران به شدت از ناحیه چشم و ریه آسـیب دیدند. در این حمله، چهـار فرزنـد هواپیمـا منطقه را بـا گلوله‌هـای حاوی گاز شـیمیایی بمباران کردنـد. گزارشـی که خبرگزاری جمهوری اسـلامی ایران چنـد روز پس از این حـادثه مخـابره کرد، جزئیات بیشتری را درباره چگونگی وقوع آن بیان می‌کنـد: «ساعت ۱۷:۰۰ روز ۱۶ آبان‌مـاه رژیـم عراق در حـالی کـه شـکست دیگری را در منطقـه والفجر ۴ متحمـل شـده بود، منطقه بین رودخـانه شـیلر و ارتفاعات سری را با چهار فروند از هواپیماهای خود که به بمبهای شیمیایی مسلح بودند، هدف حمله قرار داد و این بار، نوع دیگری از بمبهای شیمیایی را آزمایش کرد. به گفته مجروحان این حادثه، با انفجار این بمبها بویی شبیه پیاز گندیده یا گاز تابون به مشام می‌رسـید و شـش تا هفت ساعت پس از انفجار نیز، وجود این بو حس می‌شـد. موادی که از این بمبها به جا مانده بود، شبیه گریس قرمز و چرب بـوده و تـا شـش سـاعت پس از انفجـار نیز بـوی آن به مشـام می‌رسـید. در اثر این بمبـاران، دیـد افراد مصـدوم به طور چشم‌گیری کاهش یافته و بعضـی از آنان دچار فینگنر کانت شده‌انـد و انگشـتان دست را تنها از فاصـله نزدیک می‌تواننـد شـمارش کننـد، ولی جزئیـات آن را نمی‌تواننـد تشـخیص دهنـد. در این عـده که بیش از هفتـاد نفر هسـتند، تحریکـات شدیـد چشـمی شامل پرخونی شدیـد، التهـاب، کراتیت قرینه (ورم التهـابی قرنیه)، ریزش اشـک شدیـد، کاهش بینایی، درد فوق‌العاده شدیـد در چشـمها، سرگیجه، تهوع و ترس از نور مشاهده می‌شود. این بمبها تا شـعاع یک کیلومتری روی افراد تأثیر گذاشـته‌اند و کسانی که در فاصـله نزدیـک‌تری از محل انفجار قرار داشـته‌اند، به تنگی نفس و آلرژی پوستی نیز مبتلا شده‌انـد. تعـدادی از این افراد از تشـخیص رنگ عاجزند و تنها رنگهای سیاه و سفید را از فاصله نزدیک تشخیص می‌دهند» [۲۸] .

پس از این حمله و به دنبـال فروکش کردن عملیـات والفجر ۴، از شدت حملات شـیمیایی عراق در جبهه‌های جنگ کاسـته شد، به طوری که در آذرمـاه یـک مورد، در دی‌ماه دو مورد و در بهمن‌ماه سال ۱۳۶۲، تنها یک مورد حمله شـیمیایی به ثبت رسیده است. [۲۹] یکی از مهم‌ترین دلایـل کـاهش این حملاـت، تغییر رویه جمهوری اسـلامی ایران در برخورد بـا سازمان ملل، به ویژه دبیر کل بود. جمهوری اسـلامی ایران به دنبال تشدیـد حملات شـیمیایی عراق علیه مناطق نظامی و غیرنظامی، برای نخستین بار در ۶ آبان‌ماه

سال ۱۳۶۲ (۲۸ اکتبر ۱۹۸۳) طی نامه‌ای رسمی خطاب به دبیر کل سازمان ملل اعلام کرد که عراق در جنگ علیه نیروهای ایران از سلاحهای شیمیایی استفاده کرده است و تقاضا کرد که دبیر کل گروه کارشناسی را برای بررسی موضوع به منطقه اعزام کند. شش روز بعد با تداوم حملات شیمیایی عراق، جمهوری اسلامی ایران این تقاضا را تکرار کرد. [۲۰] اما در خواستهای مکرر ایران در سازمان ملل با بی‌اعتنایی روبه‌رو شد و دبیر کل در مقابل تقاضای ایران سکوت اختیار کرد. دولت عراق زمانی که با اقدام بی‌سابقه

[صفحه ۵۹]

ایران در توسل به دبیر کل برای جلوگیری از گسترش کاربرد سلاحهای شیمیایی روبه‌رو شد، حملات شیمیایی خود را کاهش داد. از سوی دیگر، برای تحت الشعاع قرار دادن اقدام سیاسی ایران، طی برنامه‌ای به دبیر کل، ادعا کرد که ایران علیه نیروهای عراقی از سلاح شیمیایی استفاده کرده است و اعزام گروه کارشناسی به آن کشور را خواستار شد. [۲۱] با وجود این، زمانی که دولت عراق متوجه شد. برای درخواستهای ایران در مجامع بین‌المللی گوش شنوایی وجود ندارد، محدودیت به کارگیری جنگ افزارهای شیمیایی را کنار گذاشت و با آغاز نخستین زمزمه‌های شروع عملیات بزرگ دیگری از سوی نیروهای ایران، در اوایل اسفندماه سال ۱۳۶۲ تهدید کرد: «در صورت نیاز، از سلاحهای جدیدی استفاده خواهد کرد که برای ایرانیان ناشناخته است.» [۲۲] در همین زمینه، ژنرال ماهر عبدالرشید، فرمانده سپاه سوم عراق، که در جبهه بصره مستقر بود نیز، در مصاحبه‌ای اعلام کرد: «اگر شما به من نوعی سم دفع آفات بدهید که آن را در میان این کرمهای حشرات پرتاپ کنم تا آن را استنشاق کنند و جان بسپارند، آن را به کار خواهم گرفت» [۲۳] رادیو بغداد نیز ورود عوامل شیمیایی جدید در جنگ را این چنین اعلام کرد: «برای کشتن هر نوع حشره‌ای، حشره‌کش ویژه وجود دارد.» [۲۴] این عبارت زمانی مفهوم حقیقی خود را نشان می‌دهد که بدانیم از نظر شیمیایی، بین عوامل اعصاب و حشره‌کشها نوعی رابطه وجود دارد. این تهدیدها زمانی انجام می‌شد که عراقیها به طور گسترده‌ای می‌کوشیدند تا هر گونه کاربرد گازهای شیمیایی را در جبهه‌های جنگ منکر شوند و آن را ترفند ایران برای تحت الشعاع قرار دادن تلفات انسانی خود در جنگ قلمداد کنند. [۲۵] البته، مسئولان عراقی گاهی کنترل خود را از دست می‌دادند و با ایما و اشاره بر استفاده از سلاحهای شیمیایی صحه می‌گذاشتند، به طوری که وزیر اطلاعات آن کشور در پاسخ به پرسشهای خبرنگاران درباره کاربرد جنگ افزارهای شیمیایی گفت: «چرا عراق باید زیرپوش کثیفش را در ملأ عام بشوید؟» [۲۶] بنابراین، خط مشی کلی عراق در مورد استفاده از سلاحهای شیمیایی علیه نیروهای ایران در صحنه سیاسی و در سطح رسانه‌ای، پنهانکاری و در واقع، نوعی فرافکنی بود. خط مشی‌ای که تا این زمان (پیش از عملیات خیبر در اسفند ۱۳۶۲)، کاملا موفقیت آمیز می‌نمود و سبب شده بود تا استمداد طلبی ایران در سطح جهانی به نتیجه نرسد.

با وجود این، انتشار برخی از اخبار و گزارشها در مطبوعات و رسانه‌های گروهی جهان درباره کاربرد گسترده جنگ افزارهای شیمیایی از سوی عراق علیه نیروهای ایرانی در جبهه‌های جنگ آشکار کرد که بیش از این، امکان پنهانکاری وجود ندارد و موضوع از کنترل عراق خارج شده است. تقریبا از آذرماه سال ۱۳۶۲ که جمهوری اسلامی ایران برای نخستین بار طی نامه‌ای از دبیر کل برای جلوگیری از تکرار استفاده عراق از گازهای شیمیایی استمداد طلبید، تعدادی از روزنامه‌ها و نشریات تخصصی جهان نسبت به موضوع حساس شدند و به درج مقالاتی در این باره اقدام کردند. از جمله روزنامه گاردین در مقاله‌ای به تاریخ ۵ آذرماه سال ۱۳۶۲، به نقل از سه پزشک انگلیسی، که برای شرکت در کنفرانس جهانی پزشکی به تهران سفر کرده و مقامات بنیاد شهید آنها را بر بالین مجروحان شیمیایی بستری در بیمارستانهای تهران حاضر کرده بودند، نوشت، شواهدی را که دولت ایران برای اثبات ادعای خود ارائه داده، آنها را متقاعد کرده که عراق برای مقابله با حمله اخیر نیروهای ایران سلاحهای شیمیایی و گازهای سمی را

علیه نیروهـای ایران به کار گرفته است. یکی از پزشـکان انگلیسـی می گویـد: «عکسـهای سـربازان ایرانی با بـدنهای ورم کرده نشان دهنده آن است که طی جنگ از سـلاحهای شـیمیایی اسـتفاده شده است.» وی می‌افزاید: «با توجه به نوع سـلاحهای مزبور، این ماده شیمیـایی، نه گـاز محرک اعصـاب، بلکه احتمالاـ گـاز نیـتروژن خردلی بوده است.» گـاردین در ادامه، بـا اشـاره به اینکه حمله اخیر شیمیایی عراق در نزدیکی شـهر پنجوین در داخل مرز عراق و در حـدود سـیصد کیلومتری بغداد صورت گرفته است، تأکید می کند که معلوم نیست این گازهـای شـیمیایی را کـدام کشور تولیـد کرده است، امـا گفته می‌شود که روی آثـار باقی مانـده از آنها علائم شوروی دیده شده است. اما این امر، تنها نشان دهنده آن است که دستگاههای پرتاپ این گازها ساخت شوروی بوده است.

[صفحه ۶۰]

این روزنـامه در پایان یادآور می‌شود که: «صـدام حسـین پیش از این به ایران هشـدار داده بود که اگر به خاک عراق حمله کنـد، با سلاحهای مرگبار این کشور روبه‌رو خواهد شد. شاید گاز نیتروژن خردلی همان سلاح باشد.» [۲۷] .
مـدتی بعد، هفته‌نامه معتبر نظامی جینز دیفنس چاپ لندن با اشاره به نقض کنوانسـیون ۱۹۲۵ ژنو در منع تولید و اسـتفاده از گازهای شیمیـایی در جنـگ، نوشت: «عراق برای مقابله با حملات موج انسانی نیروهای ایرانی در جنگ خلیـج‌فارس از گاز محرک اسـتفاده می کنـد. این گـاز گوگردی است که از نفت خام در مراحل تصـفیه گرفته می‌شود و شبیه گازی است که در آلمانها در سال ۱۹۱۷ در جنگ جهانی اول در جبهه غرب به کار بردند. گاز مزبور را عراق تولید می کند و به شـکل گلوله توپ یا به صورت بمب، که با هواپیما به پایین ریخته می‌شود.» [۲۸] .
بـا وجود انتشـار مطالبی از این دست در نشـریات مختلف جهان در سه ماهه پایانی سال ۱۹۸۳، این مسائل هیچ گونه واکنشـی را در مواضع کشورهـا و مجـامع بین‌المللی در پی نـداشت و آنها همچنان، به سـکوت خود در قبال کاربرد سـلاحهای شـیمیایی در جنگ ایران و عراق ادامه می‌دادند. در نتیجه، عراقیها که نگران واکنشهای منفی دولتها، سازمانهای بین‌المللی و افکار عمومی جهان بودند، در آغاز، غافلگیر شدنـد و با کاهش اسـتفاده از سـلاحهای شـیمیایی علیه نیروهای ایران کوشـیدند، از بروز جو ضد عراقی در جهان جلوگیری کننـد. به همین دلیـل، پس از پایان عملیات والفجر ۴، نیروهـای عراق در آذرماه سال ۱۳۶۲ به نـدرت به جنگ افزارهای شیمیایی متوسل شدنـد و در طول ماههای آذر، دی و بهمن سال ۱۳۶۲ تنها در چهار حمله از سـلاحهای شیمیایی استفاده کردند که از نظر حجم و میزان مواد آلوده کننـده چنـدان مهم نبود و تلفـاتی را نیز در بر نـداشت. این حملات در ۴ آذرماه در منطقه پاوه، ۱۵ همین ماه در ایسـتگاه حسـینیه آبادان (با یک تن مصدوم) و ۲۵ بهمن‌ماه در منطقه ارونـد رود با اسـتفاده از خمپاره‌های محتوی گاز سمی انجام شد که تلفاتی را در بر نداشت. البته، این وضعیت چندان دوام نیافت. عراقیها که از سکوت دولتها و مجامع بین‌المللی در قبال استعمال گازهای شیمیایی علیه نیروهای ایرانی اطمینان پیدا کرده بودند، در اسفندماه سال ۱۳۶۲، با استفاده از گازهای شیمیایی چنان جهنمی رابه پا کردنـد که تا آن زمان بی‌سابقه بود. آنها طی یک ماه، چهارده بار به حملات شـیمیایی متوسل شدنـد که چهار برابر از حملات سال پیش بیشتر بود. [۲۹] افزون بر این، آنها سـلاح جدیدی را آزمایش کردند که پیش از آن، هرگز در جنگی به کار نرفته بود که از آن جمله می‌توان به عامل اعصاب یا گاز تابون اشاره کرد.

به کارگیری سلاح شیمیایی جدید در جنگ

در روزهای آغازین اسفندماه ۱۳۶۲، عراقیهـا که طبق معمول هر ساله منتظر آغاز عملیات بزرگ زمستانی دیگری از سوی نیروهای ایران بودند، هشدار دادند که در صورت نیاز، از سلاح جدیدی که برای ایرانیان ناشناخته است، استفاده خواهند کرد. [۳۰] با وجود

این، ایران با بی‌اعتنایی

[صفحه ۶۱]

نسبت به این تهدیدهای، در روزهای دوم و سوم اسفند در فاصله‌ای کمتر از یک روز عملیات فرعی والفجر ۶ در منطقه دهلران و ارتفاعات چیلات و عملیات اصلی خیبر را در منطقه عمومی بصره و محور هورالهویزه - پاسگاه زید آغاز کرد و بدین ترتیب، گام بزرگ دیگری را برای ورود به خاک عراق و شکستن قدرت نظامی این کشور برداشت. با آغاز عملیات والفجر ۶، عراقیها که نیروی اصلی خود را در جبهه‌های جنوب متمرکز کرده و منتظر حمله ایران در این منطقه بودند، در مقابل حمله نیروهای ایران در همان نخستین ساعات آغاز حمله و پس از روشن شدن هوا، به سلاحهای شیمیایی متوسل شدند و مناطق آزاد شده العزیز و شط علی را با گاز خردل هدف قرار دادند. در این حمله، ششصد تا هفتصد نفر از نیروهای ایران جمعی گردان شهید کامیاب از تیپ ۱۲۹ نجف اشرف از سپاه چهارم قدس (نیروهای طرح لبیک یا خمینی)، که در منطقه شط علی مستقر بودند، از ناحیه صورت، به ویژه چشمها به شدت مجروح شدند. [۳۱] در پی این حمله بود که جمهوری اسلامی ایران تهدید کرد اگر سازمان ملل موضوع قاطعی در قبال استفاده از سلاحهای شیمیایی اتخاذ نکند، این کشور برای دفاع از خود، مقابله به مثل خواهد کرد. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، در خطبه‌های نماز جمعه تهران در ۳ اسفندماه سال ۱۳۶۲، خطاب به سازمان ملل هشدار داد اگر عراق به استفاده از سلاحهای شیمیایی ادامه دهد، ممکن است ایران به استفاده از این سلاحها مجبور شود. وی گفت: «ما در حال حاضر، به عدم استفاده از تسلیحات شیمیایی متعهدیم، اما نمی‌دانم این تعهد تا چه مدت پایدار بماند.... در صورت عدم اتخاذ یک موضع قاطع از سوی سازمان ملل، این سازمان مرتکب جنایتی علیه بشریت می‌شود که حتی آب زمزم نیز نمی‌تواند آن را پاک کند.» وی همچنین تأکید کرد: «تاکنون، نمی‌خواستیم از تسلیحات شیمیایی استفاده کنیم، اما در صورت ادامه استفاده عراق از تسلیحات شیمیایی، نمی‌توانیم برای همیشه منتظر اقدام سازمان ملل بمانیم. [۳۲] .

هم زمان با این تهدیدهای، ایران به ابتکار دیگری دست زد و با جلب موافقت برخی از کشورهای اروپایی از جمله بلژیک، هلند، سوئیس، سوئد، انگلستان، فرانسه و اتریش، [۳۳] تعدادی از مجروحان شیمیایی را برای مداوا به این کشورها اعزام کرد. نخستین گروه از این مجروحان در روز ۳ اسفندماه به آمستردام وارد شد و پنج تن از آنان در بیمارستان عمومی شهر فنت و پنج نفر دیگر در بیمارستان دانشگاه انزشت بستری شدند. همچنین، پنج نفر پس از اعزام به لندن به یک مرکز درمانی انتقال یافتند. [۳۴] این اقدام ایران از نظر سیاسی - تبلیغی بسیار مؤثر واقع شد و جهانیان در مقابل واقعیتهای انکارناپذیر جنگ و استفاده از سلاحهای شیمیایی قرار گرفتند. بدین ترتیب، موضوع اعزام مجروحان شیمیایی ایرانی به کشورهای اروپایی در صدر اخبار رسانه‌های گروهی جهان قرار گرفت و صدها گزارشگر و خبرنگار به سوی بیمارستانها سرازیر شدند تا آخرین خبرها را به گوش شنوندگان و خوانندگان خود برسانند. به دنبال این اقدامات، به تدریج، زمزمه‌هایی مبنی بر محکومیت کاربرد جنگ افزارهای شیمیایی در گوشه و کنار جهان برخاست. فرانسه، متحد اصلی عراق در اروپا، از جمله نخستین کشورهایی بود که استعمال تسلیحات شیمیایی را محکوم کرد. ماکس گالر سخنگوی دولت فرانسه در ۳ اسفندماه سال ۱۳۶۲ در مصاحبه‌ای خطاب به گزارشهای گفت: «مخالفت فرانسه با جنگ شیمیایی صریح و قاطعانه بوده است.» [۳۵] اما در جمهوری اسلامی ایران، این اقدام زود هنگام دولت فرانسه تلاش این کشور برای تحت الشعاع قرار دادن افشای همکاری تسلیحاتی‌اش با عراق تعبیر شد. به هر حال، با افشای اخبار بیشتری از مجروحان شیمیایی ایران در جهان، آرام آرام کشورهای بسیاری به صف مخالفان حملات شیمیایی پیوستند و بدون اشاره به نام عراق، استعمال گازهای شیمیایی را محکوم کردند.

با وجود همه اینها، استفاده عراق از گازهای شیمیایی در عملیات والفجر ۶، پایان راه توسل به این گونه سلاحها در سال ۱۳۶۲ نبود و نیروهای این کشور هنوز سلاح ناشناخته وعده داده شده و را به کار نگرفته بودند. با آغاز عملیات بزرگ خیبر در ۳ اسفندماه، فرصت آزمایش این سلاح نیز به دست آمد. در این عملیات، نیروهای بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی موفق شدند جزایر مهم و

[صفحه ۶۲]

استراتژیک مجنون را که یکی از مراکز مهم استخراج نفت عراق بود، به تصرف خود در آورند و با سرعت حیرت آوری، استحکامات دفاعی نفوذ ناپذیری را در آنجا سازمان دهند. از سوی دیگر، عراقیها به دلیل اهمیت استراتژیک منطقه، نمی‌توانستند اجازه دهند که جزایر مجنون در دست نیروهای ایران باقی بماند؛ بنابراین، پاتکهای بسیار سنگینی را علیه نیروهای مستقر در جزایر انجام دادند و تمام توان خود را به کار گرفتند تا با استفاده از انواع سلاحهای متعارف به ضد حملات خود ادامه دهند، به طوری که حتی موفق شدند بخشهایی از جزیره مجنون را از دست نیروهای ایرانی خارج کنند، اما پس از پنج روز پاتکهای ناموفق، به سلاحهای شیمیایی متوسل شدند و در روز ۸ اسفندماه، با استفاده از بمبهای حاوی گاز خردل و تابون جزایر مزبور را بمباران کردند. براساس آمار ارائه شده از سوی نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل به این سازمان، ۱۱۰۰ نفر از نیروهای ایران در نتیجه استنشاق گاز خردل و اعصاب مصدوم شدند. [۳۶] برخی از منابع دیگر از جمله سالنامه سیپری [۳۷] آمار ثبت شده مصدومان را در حمله ۲۷ فوریه ۱۹۸۴ (۸ اسفندماه سال ۱۳۶۲) در جبهه جنوب و هورالهویزه، سه هزار نفر اعلام کرد که در اثر بمباران هوایی، با استفاده از گازهای مایکوتوکسین، موستارد و تابون مجروح شده‌اند. [۳۸] .

در پی این حمله، دکتر علی اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه وقت ایران، در نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل از وی خواست. تا برای بررسی مسئله استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی، گروه کارشناسی را به ایران اعزام کند. در این نامه، تاکید شده بود که طی چهار سال جنگ، حدود هفت‌هزار نفر از نیروهای ایرانی در اثر به کارگیری سلاحهای شیمیایی از سوی عراق کشته یا مجروح شده‌اند. [۳۹] این درخواست ایران با پذیرش دبیر کل همراه بود؛ بنابراین، تصمیم گرفته شد از ۲۲ تا ۲۹ اسفندماه سال ۱۳۶۲ (۱۳ تا ۱۹ مارس ۱۹۸۴)، یک هیئت کارشناسی به ایران اعزام شود. [۴۰] در همین حال، خاویر پرز دکوئیار، دبیر کل سازمان ملل، با انتشار اطلاعیه‌ای بدون اشاره به نام عراق، کاربرد سلاح شیمیایی را در هر مکان و زمانی به شدت محکوم کرد. [۴۱] .

اقدامات سیاسی - تبلیغی جمهوری اسلامی ایران در سطح جهانی و مکاتبات آن با دبیر کل سازمان ملل در کنار انتشار اخبار روزانه مربوط به اظهار نظر پزشکان و متخصصان بیمارستانهای کشورهای اروپایی که مصدومان سلاحهای شیمیایی در آنها بستری بودند، مبنی بر وجود شواهد انکار ناپذیری از عناصر شیمیایی گاز خردل، بوتان، فسفر و... در خون و ادرار مصدومان تحت معالجه، بازتاب گسترده‌ای در محافل سیاسی و رسانه‌های گروهی جهان داشت. فشارها به حدی زیاد بود که بسیاری از کشورهای حامی عراق از جمله امریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان فدرال و... با انتشار اطلاعیه‌هایی استعمال گازهای شیمیایی را علیه نیروهای جمهوری اسلامی ایران تأیید و محکوم کردند. [۴۲] بدین ترتیب، مسئله کاربرد سلاحهای شیمیایی از

[صفحه ۶۳]

سوی عراق در جنگ علیه ایران، ابعاد بین‌المللی به خود گرفت و سازمانهای بین‌المللی، مانند صلیب سرخ جهانی، که حافظ

کنوانسیون ژنو درباره قوانین جنگی است، وارد صحنه شدند و به طور غیر مستقیم، عراق را به استفاده از تسلیحات سمی در جنگ با ایران متهم کردند. طبق اعلام این سازمان: «استفاده از مواد سمی در جبهه جنگ با احترام به اصول انسانیت منافات دارد و نقض قوانینی و عرف جنگ است.» [۴۳] .

اما هیچ یک از این اقدامات نتوانست مانع از تداوم توسل عراق به گازهای شیمیایی شود. در جو بین‌المللی ایجاد شده علیه عراق، بغداد با تکذیب کاربرد این گونه سلاحها، تمامی کشورها، سازمانهای بین‌المللی و رسانه‌های گروهی جهان را که علیه این کشور موضع‌گیری کرده بودند. مورد ناسزا قرار داد، آنان را به ریاکاری متهم کرد و [۴۴] جراحت مصدومان ایرانی بستری در بیمارستانهای اروپایی را ناشی از انفجار در یک کارخانه شیمیایی در مرکز ایران دانست. افزون بر این، مقامات بغداد پا را فراتر گذاشتند و کاربرد سلاح شیمیایی را برای دفاع از کشورشان لازم دانستند، از جمله هشام صباح الفخری، فرمانده نیروهای عراق در شرق بصره، اعلام کرد: «برای حفاظت از کشور و شرفمان هر چه از دستمان برآید. انجام می‌دهیم». وی افزود: «عراق حق استفاده از سلاحهای شیمیایی را برای خود محفوظ می‌دارد.». [۴۵] از سوی دیگر، ژنرال ماهر عبدالرشید، فرمانده جناح جنوبی جبهه عراق، اعلام کرد: «من شخصا گفته بودم برای متوقف کردن تهاجم به کشورم، به هر وسیله‌ای متوسل خواهم شد. دشمنی که از مرز عراق عبور کند، بایستی نابود شود. منظورم از بیان این مطلب این نیست که به سلاحهای شیمیایی متوسل شده‌ام، بلکه معتقدم اگر ضروری باشد، نمی‌توانم به فرمانی که از بالا می‌رسد، جواب منفی دهم؛ زیرا، این قبیل تصمیمات نمی‌تواند از سوی یک سپهبد اتخاذ شود». وی افزود: «اگر خانه شما از پشه پر شود، چه کاری انجام می‌دهید؟» [۴۶] .

براساس چنین استدلالی بود که عراقیها علی‌رغم وجود فشار سنگین بین‌المللی، برای باز پس‌گیری جزایر مجنون و به کاربرد سلاحهای شیمیایی در روزهای پایانی سال ۱۳۶۲ ادامه دادند و کوشیدند به هر نحو ممکن، از ادامه عملیات خیبر جلوگیری کنند. آنها در روزهای ۱۰ و ۱۱ اسفندماه منطقه طلائیه را هدف حملات شیمیایی قرار دادند و در روزهای ۱۶،۱۹،۲۰،۲۳ و ۳۰ اسفندماه، هم زمان با حضور کارشناسان سازمان ملل در منطقه، شدیدترین حملات شیمیایی را متوجه جزایر مجنون کردند که براساس آمار غیر رسمی، حدود ۲۵۰۰ تن از نیروهای ایران در این حملات مصدوم شدند. تنها در حمله ۱۹ اسفندماه، ۵۴۳ تن از نیروهای رزمنده در نتیجه اسنشاق ترکیبات گاز خردل و تاول‌زا مجروح شدند و در ۳۰ همین‌ماه، ۳۷۰ تن از این نیروها تحت تأثیر گاز اعصاب (تابون) قرار گرفتند و به شدت مصدوم شدند. عراقیها در روزهای ۲۳،۲۴ و ۲۷ اسفندماه، افزون بر حمله شیمیایی به منطقه عملیاتی خیبر، مناطق البیضه، حسینیه و جفیر را نیز هدف حملات شیمیایی قرار دادند که در البیضه ۱۵۳ نفر و در حسینیه، ۵۰ نفر مصدوم شدند [۴۷] در مجموع، در سال ۱۳۶۲، حملات شیمیایی عراق نسبت به سال پیش تشدید شد و به پنجاه حمله رسید. رژیم بغداد در توسل به سلاحهای شیمیایی و میکروبی از عوامل جدیدی استفاده کرد که میزان کشندگی و پایداری آنها در محیط به مراتب بیشتر بود. همچنین، وسعت مناطقی که عراق در آنها از سلاح شیمیایی استفاده کرد، چندین برابر وسعت مناطقی بود که پیش از این، هدف حملات آن قرار گرفته بود. سازمان ملل نخستین بار، هیئت کارشناسی خود را به دعوت جمهوری اسلامی ایران از ۲۳ تا ۲۹ اسفندماه به منطقه روانه کرد تا به بررسی و جمع‌آوری شواهد و اطلاعات موجود درباره کاربرد گازهای شیمیایی بپردازد که گزارش آن، پس از بازگشت از تهران در ۲۱ ماه مارس ۱۹۸۴ (۱ / فروردین ماه / ۱۳۶۳) به دبیر کل سازمان ملل تسلیم شد. [۴۸] .

حال این پرسشها مطرح می‌شود که آیا چنین گزارشهایی توانست از تکرار استعمال گازهای شیمیایی در جبهه‌های جنگ ایران و عراق جلوگیری و کشورهای جهان و مجامع بین‌المللی مسئول را به اقدام موثر برای جلوگیری از تکرار آن وادار کند؟ آیا شورای امنیت سازمان ملل پس از دریافت گزارش هیئت حقیقت یاب به طور قاطع اقدام مؤثری انجام داد و با صدور قطع‌نامه‌ای لازم الاجرا، کشور مجرم را مجازات کرد؟ آیا عراق بار دیگر به سلاحهای شیمیایی متوسل شد؟ پاسخ ایران به این حملات چه بود و سرانجام اینکه روند استفاده از این سلاحها چگونه بود؟ اینها پرسشهایی هستند که در ادامه این مبحث در شماره آینده، به تفضیل به

آنها پرداخته خواهد شد.

پاورقی

[۱] Antony Cordesman. The Lessons of modern War. vol. ۲. U.S.A: Logman ۱۹۸۸. P.۸۸۳.

[۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران؛ گزارش‌های ویژه؛ ۲۶ / ۳ / ۱۳۶۱، ص ۱۱.

[۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران؛ گزارش‌های ویژه؛ ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۱، ص ۱۲.

[۴] Losangeles Times. ۲۶ Jan. ۱۹۸۴.P.۸.

[۵] سید قاسم زمانی؛ حقوق بین‌الملل و کاربرد سلاحهای شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، ۱۳۷۶، ص ۱۶.

[۶] دفتر بررسی‌های سیاسی سازمان تبلیغات اسلامی انقلاب اسلامی؛ جنگ تحمیلی و نظام بین‌الملل؛ تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، سال ۱۳۷۶، ص ۸۷.

[۷] Losangeles Times. ۲۶. Jan. ۱۹۸۴. P.۸.

[۸] روزنامه جمهوری اسلامی؛ ۲۰ / ۹ / ۱۳۶۱، ص ۲.

[۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی؛ گزارش‌های ویژه ۹ / ۸ / ۶۱، ص ۱۳.

[۱۰] حسین علایی؛ جنگ شیمیایی، تهدید فزاینده؛ تهران: اطلاعات، ۱۳۶۷، صص ۱۰۵ - ۶.

[۱۱] Wall Street Journal. ۱۳ March ۱۹۸۴. P.۱۵.

[۱۲] یحیی فوزی؛ «ابعاد به کارگیری سلاح شیمیایی توسط عراق و واکنش مجامع بین‌المللی» در دفتر بررسی‌های سیاسی سازمان تبلیغات اسلامی، پیشین؛ ص ۸۷.

[۱۳] روابط عمومی فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، گذری بر پنجمین سال جنگ تحمیلی، تهران: واحد تبلیغات و انتشارات ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴، ص ۷۰.

[۱۴] همان؛ ص ۸۲.

[۱۵] بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس؛ مجموعه اسناد جنگ شیمیایی در دفاع مقدس؛ زونکن شماره ۲.

[۱۶] پرونده‌های مربوط به جنگ شیمیایی در بیمارستان لقمان الدوله حکیم در تهران، پوشه مربوط به مصدومین شیمیایی عملیات والفجر ۴.

[۱۷] سند شماره ۱۹۸۱۶ / S شورای امنیت سازمان ملل، ۲۱ آوریل ۱۹۹۱.

[۱۸] خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه؛ ش. ۲۴۳، ۲۷ / ۸ / ۱۳۶۲، ص ۶.

[۱۹] S/۱۹۸۲۱,۲۲ April, ۱۹۸۸.

[۲۰] SG/SM/ ۳۵۳۳. ۷ March ۱۹۸۴.

[۲۱] S/۱۹۱۰۴, ۲۸ Oct.۱۹۸۳.

[۲۲] New York Times, ۷.Marc.۱۹۸۴.P.۴.

[۲۳] آویگدور و ماسل کورن؛ طوفان بی‌پایان (عراق، سلاحهای سمی و بازدارندگی)؛ ترجمه عباس مخبر؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ۱۳۷۶، ص ۳۱.

[۲۴] حسین علایی؛ پیشین؛ ص ۱۱۵.

[۲۵] S/۱۹۱۰۴, ۲۸ Oct. ۱۹۸۳.

[۲۶] New York Times, ۷. March, ۱۹۸۴.P.۴.

[۲۷] خبرگزاری جمهوری اسلامی؛ گزارشهای ویژه؛ شماره ۲۵۱، ۵ / ۹ / ۱۳۶۲، ص ۲۸.

[۲۸] خبرگزاری جمهوری اسلامی؛ گزارش‌های ویژه شماره ۳۱۳.

[۲۹] S/۱۹۸۲۱. ۲۲ April ۱۹۸۸.

[۳۰] بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس؛ اسناد سلاحهای شیمیایی، روزنامه تائنا، ۱۲ / ۱۲ / ۱۳۶۲، ص ۵۷.

[۳۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی؛ گزارشهای ویژه؛ شماره ۲۲۴، ۱۰ / ۱۲ / ۱۳۶۲، ص ۲۹.

[۳۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی؛ تلکس خبری، شماره ۲۴، ۳ / ۱۲ / ۱۳۶۲.

[۳۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی؛ تلکس خبری، شماره ۲۷، ۳ / ۱۲ / ۱۳۶۲.

[۳۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی؛تلکس خبری؛ شماره‌های ۲۰،۲۲،۲۷، ۳ / ۱۲ / ۱۳۶۲.

[۳۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی؛تلکس خبری؛ شماره ۹، ۵ / ۱۲ / ۱۳۶۲.

[۳۶] S/۱۹۹۲۱, ۲۲ April, ۱۹۸۸.

[۳۷] SIPRI.

[۳۸] Sipri Yearbook ۱۹۸۴.

[۳۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی؛ تلکس خبری؛ شماره ۴۱، ۱۴ / ۱۲ / ۱۳۶۲.

[۴۰] سید قاسم زمانی؛ پیشین؛ ص ۱۱۰.

[۴۱] SG/SM/۳۵۳۳. ۷ March ۱۹۸۶.

[۴۲] بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس؛ پرونده کاربرد جنگ افزارهای شیمیایی در جنگ ایران و عراق؛ زونکن سال ۱۳۶۲.

[۴۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی؛گزارش ویژه؛ ۱۷ / ۲۱ / ۶۲ به نقل از رادیو امریکا.

[۴۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی؛تلکس خبری، شماره ۱۱۰، ۱۷ / ۱۲ / ۱۳۶۲.

[۴۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی؛ گزارش‌های ویژه؛ شماره ۳۵۲، ۱۶ / ۱۲ / ۱۳۶۲ به نقل از نیویورک تایمز.

[۴۶] وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی؛ گزارش سفارت ایران در اسپانیا؛ به نقل از روزنامه ایل مساجرو. مورخ ۱۱ / ۳ / ۱۹۸۴ (۲۱ / ۱۲ / ۱۳۶۳).

[۴۷] بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس؛ اسناد جنگ شیمیایی؛ زونکن سال ۱۳۶۲.

[۴۸] U.N. Yearbook ۱۹۸۴. P.۲۲۲.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».